



## «قابلیت ضوابط و تضمینات جبران خسارت در حوادث تروریستی در حقوق بین الملل و حقوق ایران»

مجتبی فراستی

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

### چکیده

در حمایت از بزه دیدگان جرایم تروریستی، اصل بر جبران خسارتهای مادی و معنوی قربانیان از طریق نهادهای حقوق داخلی همچون مراجع خاص و بودجه عمومی کشورهاست. اما هنوز تعداد قابل توجهی از کشورها به دلایل گوناگون، مقررات حقوق بین الملل را به صورت کامل وارد حیطه کاربردی سیاست جنایی خود نکرده اند. به همین دلیل حمایت کافی از قربانیان بعمل نمی آید. با جهانی شدن تروریسم، حمایت های موجود از بزه دیدگان جرایم تروریستی نیز لاجرم به سمت جهانی شدن توسعه می یابد. علاوه بر تلاش های داخلی، در سطوح منطقه ای و بین المللی، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و برخی دیگر از اسناد بین المللی عمدتاً به بیان حمایت مادی و اقتصادی از بزه دیدگان تروریسم، پذیرش حق جبران خسارت بزه دیده و نیز راهکارهای جبران پرداخته اند. علاوه بر حمایت مادی که در اسناد فوق مورد اشاره قرار گرفته، حمایت های بین المللی همچون حمایت کیفری، پزشکی و روانپزشکی، پلیسی و امنیتی، قضایی و فرهنگی از بزه دیدگان تروریسم شکل گرفته است. با این حال، نیاز به حمایت های موثر و بیشتر ضروری می نماید.

**واژگان کلیدی:** حقوق بین الملل، حقوق داخلی ایران، جهانی شدن، تروریسم، روش های حمایت از بزه دیدگان.

### 1. مقدمه

تروریسم جرمی است که می تواند ماهیت سیاسی داشته باشد اما رسیدن به تعریف واحد از تروریسم مشکل چندین ساله است. در ماده یک لایحه پیشنهادی مبارزه با تروریسم ایران اشعار می دارد که «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب جرائم و اقدامات خشونت آمیز از طریق به وحشت افکندن مردم جهت تأثیرگذاری بر خط مشی و تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران،



سایر کشورها و سازمانهای بین الدولی جرم تروریستی محسوب می شود» (عبدالهی، 1388، 19). تروریستها معمولاً برای تبلیغ ایدئولوژی یا برای مقابله به مثل کردن با کشور دشمن خود دست به کشتار و ترور مردم غیر سیاسی میزنند تا با ایجاد ترس به خواسته های خود برسند. جنایات تروریستی هم در زمره جرائم علیه شخص و اموال هستند و هم علیه امنیت. برای ایجاد مسئولیت ناشی از جرم وقوع فعل زیانبار و وجود خسارت و رابطه سببیت لازم است (عابدی، 1396). برای فعل زیانبار در پیش نویس قانون مبارزه با تروریسم شرایطی وجود دارد که عبارتند از: برهم زدن نظم و امنیت عمومی؛ به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان؛ اجبار دولتها و سازمانهای بین المللی به ارتکاب فعل یا ترک فعل خاص، وحشت پراکنی بین مردم. خساراتی که در این راستا وارد میشود آسیب های جسمی و مالی و آسیب های روانی عاطفی است. در ارتباط با جبران خسارت بزه دیدگان جنایات تروریستی میتوان به توسل به اصول عام و کلی مسئولیت و مجموعه قوانین موجود انجام گیرد (یزدانیان، 1391). یکی از مهمترین منابع در این زمینه قانون م.م در مواد 1 و 2 و 5 هرگونه اقدام بدون مجوز قانونی از روی عمد موجب خسارت مادی یا معنوی را موجب مسئولیت بزهکار می داند در قانون مجازات اسلامی نیز عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم مطرح نشده است و از مجموعه مواد آنچه که بیشتر با این جرم مرتبط است مواد مربوط به بخش محاربه و همچنین مواد در ارتباط با قصاص و دیات ماده 511 این قانون را میتوان اشاره کرد باید دید که این نظرات و روش ها تا چه میزان کارآمد است. در زمینه جبران خسارت مسئله بیمه ها نیز مطرح میشود که میتواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند و از اهمیت و همچنین نواقصی برخوردار است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در قلمروی حقوق کیفری شخص ملزم به پاسخ گویی آثار و نتایج جرم است و ماده 14 و 492 این قانون دو مبنای اساسی را در قلمروی حقوق کیفری شخص ملزم به پاسخ گویی آثار و نتایج جرم است و ماده 14 و 492 این قانون دو مبنای اساسی را در حقوق سئولیت مدنی مبنی بر جبران کامل خسارت و انتساب خسارت تشکیل می دهد (گلدوزیان، 1393: 51) و یکی از اقدامات پیشگیرانه جرم انگاری تروریسم و تعیین نمودن مجازاتی خاص برای اقدامات تروریستی است.

لذا بررسی جبران خسارت ناشی از تروریسم با توجه به این که امروز گستردگی این حوادث در سرتاسر جهان نظر همه دولتها و ملتها را به خود جلب کرده است و زیان هایی را در سطح وسیع با خود به همراه دارد می تواند ابزار راهکارهای کارآمدی را برای جبران خسارات ناشی از این حوادث برای بزه دیدگان به همراه داشته باشد و همچنین می تواند مشکلات ناشی از جبران خسارات ناشی از این حوادث را تا حدودی از میان بردارد و بازگشت بزه دیده به وضع سابق را با سهولت بیشتری همراه کند. بنابراین برای دولتها در نظام جبران خسارت مدنی و کیفری راهگشاست.

با این مقدمه حال این سؤالها مطرح می شود که خسارات ناشی از حوادث تروریستی تحت چه ضوابطی قابلیت جبران دارد؟ در حقوق داخلی و بین الملل چه تضمیناتی جهت جبران خسارات ناشی از حوادث تروریستی می توان ارائه داد؟

## 2. مفهوم شناسی

همان گونه که معمول و متداول است، اولین مسئله ای که در مطالعه هر موضوعی مورد توجه قرار می گیرد، مفهوم و شناخت دقیق آن موضوع است. اهمیت تعریف از آنجا ناشی می شود که تعریف هر موضوع، وظیفه تعیین و تبیین چارچوب، قلمرو و مصادیق موضوع را به عهده دارد. بنابراین هر قدر تعریف دقیق تر، جامع تر و کامل تر باشد، درک و فهم موضوع نیز کامل تر و آسان تر صورت می پذیرد. ما نیز خود را از این قاعده مستثنی نمی دانیم. لذا قبل از هر چیز به بیان مفاهیم می پردازیم.

### 2-1. مفهوم تروریسم

از دیدگاه سازمان ملل تمامی اعمال مجرمانه علیه یک دولت به قصد ایجاد وضعیت رعب و وحشت در اذهان شخص خاص یا گروهی از افراد و یا عموم مردم اطلاق میشود.

تروریسم توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل و یا ترک فعلی؛ به این وسیله که در بین مردم تولید وحشت کند. در گذشته این اصطلاح در معنای دولتی آن یعنی برای نشان دادن رفتار سرکوب گرایانه حکومت ها بر ضد

مخالفتان خود، استفاده می‌شد که باید آن را همسان اصطلاح سیاسی «تروریسم دولتی» دانست که امروزه فاقد معنای حقوقی در نظر گرفته می‌شود.

"الگوی نظام یافته‌ای از رفتار خشونت آمیز که به نوعی طراحی شده است تا جمعیتی تهدید شوند و بدین ترتیب سیاست های دولت خاصی تحت تأثیر قرار گیرد."

"عملی نهادینه ولی نا معمول که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی خاصی انجام می‌گیرد و همواره با کاربرد تهدید یا خشونت همراه است."

"استفاده از زور، خشونت، یا تهدید به منظور کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارعاب و قوه قهریه." (طیب، 1382: 21).

## 2-2. مفهوم جبران خسارات

پیگرد و مجازات افرادی است که مسئول نقض های گسترده حقوق بشری می باشند و از طریق دادگاه صالح به منظور جبران خسارت کافی و موثر قربانیان اعمال میشود(پور عیسی، 1394).

## 2-3. مفهوم مسئولیت مدنی

به نظر برخی از حقوقدانان مسئولیت بین المللی، نهادی حقوقی است که به موجب آن، کشوری که عمل خلاف حقوق (حقوق بین الملل) به او منتسب است، باید خسارات وارده به کشور متضرر از آن عمل را طبق حقوق بین الملل جبران نماید. شارل روسو برای این نهاد حقوقی، نقش اساسی قائل است. به نظر وی حقوق بین الملل که از خیلی جهات ابتدایی است، تقریباً به طور همیشگی در مقابل اعمال حقوق، ضمانت اجرایی نمی شناسد و فقط تا حدودی در مقابل تابعان خود قائل به شناخت ضمانت اجراست. از این روست که دعاوی بین المللی معمولاً جنبه ترمیمی دارد تا ابطالی. جبران خسارت مکمل ضروری اجرای یک معاهده است بی آنکه لازم باشد این موضوع در خود معاهده قید گردد(بارکزهی، 1400).

## 2-4. مفهوم حقوق مسئولیت مدنی

عبارت از مجموعه قواعد و مقررات بین المللی مربوط به موضوع مسئولیت کشورها و سازمانهای بین المللی است. بنابراین، هر موضوعی که به نوعی با موضوع مسئولیت کشورها و سازمانهای بین المللی ارتباط داشته باشد، در حقوق مسئولیت بین المللی مطرح می شود. مسئولیت بین المللی به مثابه یک نهاد حقوقی بین المللی، عبارت است از: الزام به جبران خسارت (مادی یا معنوی) وارد بر تابعان حقوق بین الملل (کشورها و سازمان های بین المللی) که این خسارت باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیر مشروع و مخالف حقوق بین الملل (عرفی یا معاهده ای) یکی از موضوعات یا تابعان حقوق بین الملل باشد. البته در طرح مواد راجع به مسئولیت، عنصر خسارت از عناصر تشکیل دهنده مسئولیت حذف شده است (مواد 1 تا 4)، اما این به معنی نادیده انگاشتن عنصر خسارت در مسئولیت نیست، زیرا عمل خلاف حقوق بین الملل در هر صورت منجر به خسارت، اعم از مادی یا معنوی، خواهد گردید(بارکزهی، 1400).

## 3. پیش نویس مواد جنایت بر ضد صلح و امنیت بشری

فکر تصویب این طرح، در نتیجه جنایات وحشتناک رخ داده در جنگ دوم جهانی و پس از تصویب اصول مستنبط از اساسنامه و محاکمات نورنبرگ، در کمیسیون مطرح گردید. به موجب ماده 24 طرح سال 1991: «هرکس به عنوان نماینده یا عامل یک دولت مرتکب یکی از اعمال نامشروع ذیل گردد یا دستور ارتکاب آن را بدهد و پس از ثبوت، مجرمیت (به) محکوم خواهد شد:

عهده دار شدن، سازمان دادن، کمک کردن، تامین، ترغیب یا نادیده گرفتن اعمالی علیه کشوری دیگر با هدف از بین بردن اشخاص یا اموال به طوری که در نتیجه اعمال مزبور، جو وحشت میان شخصیت های مملکتی، گروه ها و یا عامه مردم ایجاد گردد». در این ماده، اولاً تروریسم از عداد جنایت تجاوز مستقل شده، و ثانیاً تعریفی مبتنی بر ایجاد رعب و وحشت عمومی از تروریسم عرضه شده است. تفکیک تروریسم از تجاوز، در نتیجه پیشرفت هایی بود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در سال 1974 در تعریف تجاوز به آن نائل شده بود. از این رو با روشن شدن تقریبی مفهوم تجاوز و احصای مصادیقی چند از آن، طرح سال 1991 کمیسیون، اقدام به فک فعالیت های تروریستی از جنایت تجاوز نمود. در پیش نویس نهایی، در سال 1996 ماده 24 به طور کلی حذف شد و این بار طی رویکردی نوین تروریسم در عداد جنایات جنگی پیش بینی گردید. شق 4 بند (6) ماده 20 با عنوان «جنایات جنگی» بر چنین امری اشعار دارد. این رویکرد در پروتکل دوم الحاقی سال 1977 به کنوانسیون های ژنو در خصوص قواعد قابل اعمال در درگیری های مسلحانه غیر بین المللی و اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در رواندا نیز به چشم می خورد. در این خصوص باید تاکید کرد که این رویکرد بیشتر ناظر به تبیین وضعیت «تروریسم در درگیری های مسلحانه» است تا ارائه تعریفی مستقل از تروریسم به عنوان یک پدیده حقوقی خاص (ماهیان بادی و کریم صالحی، 1396: 136).

#### 4. انواع تروریسم

تروریسم غیردولتی: به دوگونه مستقل تقسیم میشود: تروریسم خودمختاری که دربرگیرنده گونه ای از خواسته ها برای استقلال و خودمختاری یا تظاهر فرهنگی است. دومین گونه تروریسم غیردولتی تروریسم برخاسته از نفرت نام دارد؛ که دربرگیرنده گروههای قوم پرست، فاشیست یا گروه های مشابه ای ست که آتش زدن، سوء قصد، حلق آویز کردن و دیگر اعمال خشونت بار علیه اعضای بی گناه یک گروه بلاگردان را که از نظر نژادی یا فرهنگی متمایز می شوند به گردن می گیرند. تروریسم دولتی: اعمال تروریستی برای سرکوب بخش های خاصی از جمعیت آماج به دلایل سیاسی، ایدئولوژیکی، مذهبی، فرهنگی، نژادی یا دیگر دلایل. یا به منظور عمل بازدارنده در برابر تهدیدهای مشکوک علیه قدرت حاکم دست می زند. تروریسم دوگانه دولتی - غیردولتی یا تروریسم دوپهلو: آمیزه پیچیده و مبهمی از عاملان و شیوه های گوناگون، دربردارنده تروریسم دولتی و غیردولتی با آماج های محلی، ملی، بین المللی و فراملی گوناگون اند. القاعده شاید تنها نمونه برجسته این دسته خاص باشد.

#### 5. جرم انگاری عملیات تروریستی

برخی حقوقدانان بر این باورند که قربانیان جرایم تروریستی با قربانیان دیگر جرایم خشونت بار تفاوتی ندارند و آنچه که قربانیان جرایم تروریستی را از دیگر جرایم خشونت بار عادی، متمایز می سازد، این است که عملیات تروریستی خود را نزد رسانه های و نظام سیاسی بیشتر مطرح می کنند. پیامد دیگر این موضوع، قانونگذاری سمبلیک (و بعضاً احساسی) است که هدف اصلی آن نمایش ظرفیت دولت برای رویارویی با تهدید امنیت شهروندان است. در زمان حاضر تروریسم هر چند کماکان در اشکال سنتی آن مشاهده می شود، اما با توجه به

تغییرات و تحولات جهان کنونی این پدیده تبدیل به یک بلا و مصیبت جهانی شده است که تقریباً هیچ دولت و ملتی در جهان نمی توان یافت که طعم ناشی از حوادث تروریستی را تجربه نکرده باشد. بدین سان اولین مواجهات با پدیده تروریستی در سطح جهانی و در قالب کنوانسیونها و قطعنامه های متعدد بین المللی و منطقه ای آغاز گردید. دولت ها همگام با این تلاش بین المللی اقدام به جرم انگاری تروریسم و اتخاذ تدابیر و سیاست های سرکوب گرانه و پیشگیرانه جهت مواجه با آن نمودند. علیرغم تلاش های فراوان در سطح بین المللی با وجود آن تاکنون هیچ توافق بین المللی بر سر تعریف تروریسم حاصل نگردیده است و این مساله ریشه در انگیزه های اعمال تروریستی و حمایت برخی دولت ها از اینگونه اقدامات و برداشت های متعدد از آن دارد. در نظام حقوقی ایران جرمی تحت عنوان تروریسم وجود ندارد و و قانونگذار در مورد متعدد به صورت پراکنده اقدام به جرم انگاری

برخی مصادیق اعمال تروریستی نموده است. عنوان فقهی محاربه در نظام حقوقی ایران با تعریف عام از تروریسم بسیار نزدیک است. از میان سیزده سند بین المللی در زمینه تروریسم جمهوری اسلامی ایران تاکنون به 5 سند ملحق شده است. هر چند که برخی وجود عنوان محاربه را در نظام کشور کافی می‌دانند اما در مقابل این عقیده وجود دارد که با توجه به گستردگی جرایم تروریستی و ابعاد گوناگون و ظهور اشکال نوین این دسته از جرایم ضرورت تدوین قانون جامع در امر مبارزه با این پدیده جهانی همگامی با کشورهای جهانی وجود دارد (سپهری، 1385: 12).

به منظور بررسی استراتژی ملی کشورهای جهان در مقابله با کلیه اشکال تروریسم باید بدانیم که در عصر جدید ما با پدیده ای تحت عنوان « جهانی شدن » مواجه هستیم که تاثیرات خاص خود را دارد. این پدیده از یک طرف موجب گسترش فنآوری نظامی در جهان گردید چرا که در اثر جهانی شدن، دانش فنی صنایع نظامی با اتکاء به شبکه عظیم ارتباطات در سراسر جهان گسترش یافت به گونه ای که حتی استراتژی ها و تاکتیک های عملیاتی کشورها بر روی سایت های اینترنتی قرار گرفتند که همین امر موجب تقویت عناصر بازدارندگی در این دوران گردید.

### 1-5. جرم انگاری تروریسم در حقوق بین الملل

پس از شکل گیری سازمان ملل متحد، اقداماتی برای مقابله با تروریسم صورت گرفته است. اقدامات این سازمان در مقابله با تروریسم بین المللی، مهمترین همکاری سازمانی در سرکوب تروریسم بوده و نشان دهنده آگاهی بین المللی از اهمیت مبارزه با تروریسم از طریق همکاری و انجام اقدامات مشترک است. مهمترین هدف سازمان ملل متحد، بر اساس منشور ملل متحد، (ماده یک) حفظ صلح و امنیت بین المللی است. در دهه های اخیر به موازات دگرگونی تدریجی در مفاهیم صلح و امنیت بین-المللی و با توجه به توانایی های نظامی، قدرت اقتصادی، تحولات تکنولوژی و پیشرفت های صنعتی، فعالیت های سازمان ملل-متحد نیز در قلمرو صلح و امنیت بین المللی دچار تحول اساسی شده است. در متن چنین تحولاتی بود که تروریسم بین المللی نیز به عنوان یکی از تهدیدات

جدی برای صلح و امنیت بین المللی در سازمان ملل مطرح گردید. در دهه های اخیر چندین سند حقوقی بین المللی از سوی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است که می تواند عامل مؤثری در مبارزه با تروریسم باشد. کنوانسیون های بین المللی ضد تروریسم مصوب سازمان ملل به عنوان یکی از منابع حقوق بین الملل در مورد برخی اعمال تروریستی خاص، ممنوعیت هایی را ایجاد کرده و الزاماتی را بر دوش دولتهای عضو نهاده اند. علاوه بر این کنوانسیون ها، سازمان ملل متحد از رهگذر قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت طیف گسترده ای از تعهدات را که شامل اقدامات اجرایی، سیاسی، قانون گذاری، مالی و حقوقی می شود بر عهده دولت ها گذاشته است.

### 2-5. عملکرد شورای امنیت در راستای مبارزه با تروریسم

همزمان با اقدامات مجمع عمومی، شورای امنیت به عنوان یکی دیگر از ارکان اصلی سازمان ملل متحد نیز به مقوله تروریسم پرداخته است. نگرش ها و برداشت های شورای امنیت از تروریسم را می توان از خلال قطعنامه ها و مباحث شورای امنیت در این خصوص شناسایی و درک نمود. شورای امنیت بیشتر در چهره اقدام علیه آنچه اقدامات تروریستی خوانده شده، ظاهر گردیده است. به عبارت دیگر اقدامی خاص به عنوان اقدام تروریستی شناسایی شده شورای امنیت از طریق صدور قطعنامه نسبت به آن واکنش نشان داده است. تنها استثنایی که در این رابطه مشاهده می شود، قطعنامه 1373 مصوب 28 سپتامبر 2001 شورای امنیت است. این قطعنامه که بعد از حادثه 11 سپتامبر 2000 صادر شد، هرچند که متأثر از حادثه 11 سپتامبر است ولی بر خلاف قطعنامه های پیشین شورای امنیت (که همگی موردی و ناظر به یک حادثه ای بودند)، یک قطعنامه کلی است که به طور کلی به موضوع تروریسم پرداخته و در راستای مبارزه با تروریسم الزاماتی را بر دوش کشورها نهاده است.

### 6. بزه دیدگان جرائم تروریستی



بزه‌دیگان جرایم تروریستی صرفاً افراد بیگناهی هستند که جان و مال و جسم شان قربانی جنایاتی می شود که کوچکترین دخالتی در پیدایش زمینه های وقوع آن ندارند.

عمده رفتارهای تروریستی باتوجه به خساراتی که از آنها بر جسم و جان بزه‌دیدگان وارد میشود به صورت:  
الف- ربودن یا توقیف غیرقانونی و گروگان گیری و تهدید قربانیان به قتل یا صدمه؛ که میتواند صدمات جسمی و روحی و روانی زیادی بر بزه‌دیدگان وارد سازد.

ب- هرگونه بمب گذاری تروریستی در اماکن عمومی، وسائل حمل و نقل عمومی، تاسیسات دولتی یا زیر ساختی  
ج- نشر مواد شیمیایی، میکروبی و بیولوژیک که موجب بیماری های مهلک پوستی، تنفسی و اختلال در سیستم دفاعی بدن شده و فرد را در اندک زمان کوتاهی از پای در می آورد و استفاده از مواد هسته ای یا سلاح های کشتار جمعی به منظور کشتن یا وارد کردن جراحت شدید به اشخاص (شریفی طراز کوهی و فتح- پتراز کوه یفیش 1396: 12).

- 1-6. شرایط تحقق مسئولیت جبران خسارات ناشی از جرایم تروریستی  
وقوع فعل زیانبار: وقوع فعل زیانبار همان اعمال مادی تشکیل دهنده جنایات تروریستی است .  
برهم زدن نظم و امنیت عمومی  
به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان  
وجود خسارت و رابطه سببیت

## 2-6. راهکارهای حمایت مؤثر از قربانیان تروریسم

جبران خسارت مادی  
حمایت پزشکی و روانپزشکی از بزه دیدگان  
حمایت پلیسی و امنیتی از بزه دیدگان  
حمایت فرهنگی از بزه دیدگان  
حمایت قضایی از بزه دیدگان

## 7. صلاحیت دولتها در تعقیب و مجازات متهمان اعمال تروریستی

- 1- اصل صلاحیت سرزمینی: به موجب این اصل کلیه جرایم ارتكابی در داخل قلمرو حاکمیت یک کشور، مطابق قوانین آن کشور قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است، اعم از اینکه مرتکب آن تبعه یا بیگانه باشد.
- 2- اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت: بر اساس این اصل دولت میتواند اتباع خود را به دلیل جرایمی که در خارج از قلمرو سرزمینی مرتکب شده اند و صرف نظر از تأثیر آن بر دولت متبوع مورد محاکمه قرار داده و مجازات نمایند. این اصل به تابعیت قربانی جرم نیز اشاره دارد.
- 3- اصل صلاحیت واقعی: این اصل به دولتها اجازه می دهد صلاحیت خود را نسبت به کسانی که با ارتکاب جرایم در خارج از کشور، منافع و امنیت ملی آنها را به خطر میاندازند، اعمال کنند.
- 4- اصل صلاحیت جهانی: مطابق این اصل تمامی دولت ها می توانند متهمین به ارتکاب جرایم بین المللی یعنی جرایم ارتكابی علیه جامعه بین المللی را مورد تعقیب قرار دهند (طیبه فرد، 1384).

## 8. حمایت از بزه دیدگان تروریسم در حقوق داخلی

برخی از کشورها گرایش به تأمین جبران خسارت کامل دارند «به طور خاص جبران خسارت برای درد و رنج» و دسته دیگری از کشورها مشروعیتی اساسی در زمینه مؤسسات رفاه اجتماعی، تعاون عمومی و حمایت از بینوایان قائل شده اند؛ مؤسساتی که

پاسخگوی بحرانهای اقتصادی، بحرانهای خاص روحی و دیگر نیازهای بزه دیدگان است. این مؤسسات در حقیقت به جای بزهکاری که مرده اند، شناسایی نشده اند و یا قادر به پرداخت خسارت نیستند، حمایت از بزه دیدگان را انجام میدهند و کمکهایی این مؤسسات بیشتر در مورد بزه دیدگان تروریسم بین المللی است و وظیفه دولتها در جبران خسارت بزه دیدگان را انجام میدهند. از طرف دیگر، شرایط پرداخت خسارت به بزه دیدگان نیز در کشورهای مختلف متفاوت است. برخی از کشورها خسارت بزه دیدگان را به صورت یکجا پرداخت میکنند در حالیکه برخی دیگر از کشورها به صورت ماهانه یا سالانه به جبران خسارت میپردازند. ایتالیا شاخص ترین نمونه برای کشورهای دسته دوم است. در این کشور بزه دیدگان و بستگان آنها بیشترین مبلغ را دریافت میکنند (تقی زاده، 1384).

### 9. حمایت از بزه دیدگان تروریسم در سطح منطقه ای

حمایت مادی و جبران خسارت بزه دیدگان بطور کلی در برخی از اسناد منطقه ای مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در مورد کشورهای اسلامی عضو شورای همکاری اسلامی، کنوانسیون سازمان در زمینه مبارزه با تروریسم بین المللی مصوب یک جولای 1999، تروریسم و جرایم تروریستی را تعریف کرده و تا حدودی به حمایت کیفری از بزه دیدگانش پرداخته است. کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت جرایم خشونت بار 1983 یکی از اسناد حمایتی شورای اروپا در زمینه حقوق بزه دیده و به طور خاص بزه دیده تروریسم می باشد. در اوایل دهه 1970 مسئله پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم از محل سرمایه های عمومی مورد بحث شورای اروپا واقع شد و در نهایت منجر به تصویب کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم های خشونت بار در سال 1983 شد که در سال 1988 لازم الاجرا گشت.

مطابق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تصمیمات دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز دولت ها موظفند سیاست هایی را اعمال نمایند که حمایت از زندگی انسانها به طور مؤثرتری تأمین شود.

1- دولتها باید تضمین نمایند اشخاصی که متحمل آسیب جسمی یا روحی در نتیجه خشونت تروریستی شده اند و بر طبق شرایطی بستگان نزدیک ایشان، میتوانند از خدمات و استانداردهایی که در این دستورالعمل بیان شده است، بهره مند گردند.  
2- اعطای خدمات و حمایتها نباید به احراز هویت (شناسایی متهم) توقیف، تعقیب یا محکومیت مباشر اعمال تروریستی بستگی داشته باشد.

3- حمایت از حق خلوت و زندگی خصوصی بزه دیده در مقابل اعمال ناخوانده رسانه ها قویاً پیشنهاد میشود.

4- کمک های اضطراری فوری، کمک های پزشکی طولانی مدت، کمک روانی، اجتماعی و کمک مادی مورد تأکید قرار گرفته است.

5- دسترسی مؤثر به قانون و عدالت برای بزه دیدگان جرایم تروریستی باید فراهم گردد.

6- موقعیت بزه دیدگان تروریسم بایستی تا حد کافی در آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شود.

7- غرامت مناسب، منصفانه و به موقعی که برای آسیبه ها و صدمات اعلام میشود، نباید از مرزهای ملی تأثیر بپذیرد.

8- شهود نیز همچون بزه دیدگان جرایم تروریستی در برابر تهدیدات نسبت به زندگی و حیات خود که ممکن است در نتیجه ادای شهادت در محاکمه کیفری صورت گیرد، مورد حمایت واقع شده اند. (زرنشان، 1386).

### 10. حمایت از قربانیان تروریسم در سطح بین المللی

مقررات قراردادی و عرفی بین المللی حاکم بر قربانیان را می توان بر اساس نوع قربانی به مقررات حاکم بر قربانیان جرم بطور عام، قربانیان سوء استفاده از قدرت، قربانیان نقض فاحش حقوق بین الملل بشر، قربانیان نقض فاحش حقوق بشردوستانه، قربانیان ناپدید شدن اجباری، قربانیان نقض حقوق بین الملل کیفری و قربانیان تروریسم دسته بندی نمود.

اقدامات سازمان ملل متحد در مورد قربانیان قطعنامه 1556 مصوب 2004 شورای امنیت است که در آن شورا گروه کاری را موظف نمود تا ایجاد یک صندوق مالی برای پرداخت غرامت به بزه دیدگان تروریسم و خانواده هایشان را مورد بررسی قرار

دهد. تأمین بودجه صندوق جبران خسارت به چند طریق صورت میگیرد: 1- کمکهای داوطلبانه 2- داراییهای توقیف شده تروریست ها 3- جرمه مالی گروههای تروریستی. این قطعنامه بر حمایت مادی از بزه دیدگان تروریسم و جبران خسارت های ایشان تأکید دارد. بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم میتوانند مشمول این حمایت ها قرار گیرند (نماین، 1396).

## 11. جبران خسارت های بزه دیدگان جنایات تروریستی در حقوق داخلی ایران

1- قانون مسئولیت مدنی : یکی از مهم ترین منابع قانونی که در مواد مختلف به طور صریح از خسارت های مادی و معنوی ناشی از ارتکاب جرم نام برده و جبران آنها را پذیرفته است قانون مسئولیت مدنی مصوب 1339 میباشد. به موجب مواد 1 و 2 و 5 این قانون هرگونه اقدام بدون مجوز قانونی که از روی عمد باشد و موجب خسارت مادی یا معنوی بر افراد گردد، مسئولیت بزهکار را در پی دارد.

2- قانون مجازات اسلامی : از مجموع موادی که در قانون مجازات اسلامی به جبران خسارت ناشی از جرم شاره دارند آنچه که بیشتر با جبران خسارت جرایم تروریستی، مرتبط است میتوان مواد مربوط به بخش محاربه و همچنین مواد در ارتباط با قصاص و دیات و ماده 511 این قانون را اشاره کرد.

3- جبران خسارت از طریق وزارت کشور: وزارت کشور در تاریخ 1357/3/26 بخشنامه ای با عنوان "نحوه تشخیص و تخصیص اعتبار ردیف تصویب کرد که مطابق ماده 2 این بخشنامه به پرداخت خسارت های وارده به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان جنایات تروریستی متحمل آسیب و زیان میگردند اشاره شده است. اما متأسفانه مطابق استعلام صورت گرفته این بخشنامه در حال حاضر اجرا نمیکرد (الهویی نظری، 1396).

## 12. اصول و شرایط حاکم بر جبران خسارت عملیات تروریستی

از مباحث گذشته روشن شد که ماهیت مسئولیت بزهکار نسبت به جبران خسارت بزه دیده، دین است. اصول و شرایط خاصی بر جبران خسارت توسط بزهکار حاکم است. در این گفتار به بررسی برخی از این اصول می پردازیم:

### 1-12. ترجیح جبران خسارت بر حکم به جزای نقدی

مراد ازین اصل آن است که دادگاه در موقع صدور حکم ابتدا باید جبران خسارت را مدنظر داشته باشد و در مرحله بعد، حکم به جزای نقدی را؛ به این معنا که اگر اموال بزهکار برای جبران خسارت و جزای نقدی کفایت نکند، جبران خسارت بر جزای نقدی ترجیح دارد. به عبارت دیگر حق مدعی خصوصی بر مدعی عمومی مقدم است. مبنای تقدم حق بزه دیده بر حق دولت را میتوان در این نکته دانست که میزان آسیب پذیری حقیقی و امکان تضییع حقوق او در مقابل حقوق عمومی بیشتر است (شمس ناتری، 1384: 98). همچنین می توان چنین گفت که بزه دیدگی حقیقی ملموس تر از بزه دیدگی جامعه دولت است؛ علاوه بر اینکه امکانات دولت برای جبران و ترمیم خسارات وارده بر خود و جامعه، خیلی بیشتر از بزه دیده حقیقی می باشد. این اصل مهم هم در حقوق ایران و هم در فقه اسلامی هم در سایر نظامهای حقوقی مثل کامن لا مورد تأکید واقع شده و شواهد متعددی برای آن وجود دارد. در نظام حقوقی ایران می توان به ماده 134 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1290 اشاره کرد که مقرر می داشت: در صورتی که متهم فرار نماید از وجه الضمان یا وجهی که کفیل در صورت فرار متهم ضمانت کرده، بدو خسارات و غرامات مدعی خصوصی تادیه می شود. پس از انقلاب و با توجه به ابتدای قوانین جمهوری اسلامی ایران بر فقه امامیه و اولویت حق الناس بر حق الله در فقه امامیه می توان از برخی مواد مثل ماده 145 قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 1378 نیز بهره برد که مقرر می دارد: در مواردی که متهم حضور نیافته و محکوم شده، محکوم به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی، از تأمین گرفته شده پرداخت خواهد شد و زاید بر آن به نفع دولت ضبط خواهد شد. در حقوق اسلام هم شواهدی را می توان بر ترجیح حق مدعی خصوصی بر حق دولت اقامه کرد یکی از این شواهد، در جرم محاربه وجود دارد. مطابق فقه اسلامی و قانون، مجازات محاربه یکی از چهار امر اعدام، به دار کشیدن، قطع دست راست و پای چپ و تبعید است. اگر شخص یا اشخاصی با ارتکاب جرم محاربه دیگری را بکشند، حق ولی دم مقدم بر حق الله است؛ به این معنا که در



ابتدا ولی دم حق دارد محارب را قصاص نفس کند. حال اگر ولی دم محارب را عفو کند یا با او به گرفتن دیه مصالحه کند، آنگاه نوبت به اجرای حق الله می‌رسد و تعیین مجازات، بر عهده قاضی قرار می‌گیرد بنابراین حق الناس بر حق الله مقدم است.

## 12-2. اقامه دعوی توسط زیان دیده

دادگاه، زمانی می‌تواند به جبران خسارت حکم دهد که زیان دیده تقاضا کرده باشد، این امر می‌تواند بیانگر این باشد که ماهیت مسئولیت بزهکار در جبران خسارت مجازات نیست؛ زیرا در این صورت نیازی به تقاضای زیان دیده یا قائم مقام وی نبود. قوانین موضوعه نیز به تبع فقه امامیه تقاضای صاحب حق و زیان دیده از جرم را برای جبران خسارت لازم می‌دانند، ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده‌ی قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۳۳).

## 12-3. فرآیند رسیدگی به جبران خسارت در محاکم

مراد از این اصل این است که رسیدگی به شکایت و دعوی جبران خسارت و اثبات آن و صدور حکم به جبران خسارت، همه بوسیله‌ی قوه قضائیه و نهادهای قضایی باید صورت گیرد و نباید خارج از قوه‌ی قضائیه باشد. در برخی کشورها جبران خسارت توسط دولت به عهده‌ی نهادهای سازمان‌هایی است که گاه خارج از قوه‌ی قضائیه و دستگاه‌های قضایی می‌باشد این امر در موارد جبران دولتی خسارت می‌تواند توجیه داشته باشد، اما در جبران خسارت توسط بزهکار بررسی و حکم جبران خسارت باید توسط دستگاه‌های قضایی صورت گیرد و این دادگاه است که باید احراز کند صدمه واقع شده ناشی از فعل زیان بار بزهکار است و بزهکار را به جبران آن محکوم کند. ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ مقرر می‌دارد (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰: ۳۲). در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید. و بنا به ماده ۳ همین قانون: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال تعیین خواهد کرد.»

## 12-4. جبران کامل خسارت

بر خلاف جبران دولتی خسارت که بیشتر کشورها محدودیت‌هایی را در میزان پرداخت خسارت نوع خسارت وارده دارند به گونه‌ای که جبران دولتی را تنها در خصوص زیان دیدگان جرایم خشونت بار و برخی جرایم علیه اموال و تا میزان خاصی اعمال کرده‌اند، بزهکار موظف است خسارت بزه‌دیده را به طور کامل جبران کند صرف نظر از اینکه جرم صورت گرفته از جرایم خشونت بار باشد یا نباشد در بیان اصول و شرایط حاکم بر جبران خسارت توسط بزهکار، شرایط دیگری هم ذکر شده، که به دلیل کلیت و جلوگیری از اطاله کلام از ذکر بقیه خودداری می‌کنیم (علی محمدی، ۱۳۸۲: ۸۱). پس از بیان اصول و شرایط جبران خسارت توسط بزهکار، لازم است به این نکات اشاره کنیم که خسارتی که از رهگذر جنایات تروریستی وارد می‌شود، باید مطابق اصول کلی دارای ویژگی‌هایی باشد تا قابل جبران باشد آن عبارت است از این که (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۴):

### الف) قطعی و مسلم بودن خسارت

ضرر مسلم به ضرری اطلاق می‌شود که وارد شده باشد. لذا، احتمال ورود خسارت را هر چند هم قوی باشد نمی‌توان، مسلم و قطعی دانست و نسبت به جبران آن اقدام نمود. اما برخی از ضررها به تبع ضرر اولیه حاصل می‌شوند، که مطابق قانون چنین خسارت‌هایی قابل مطالبه‌اند. ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی، خسارتی را که بواسطه کاهش نیروی کار فرد، به علت نقص در سلامتی او وارد شده است را به عنوان ضرر مسلم قابل مطالبه می‌داند. پس بر این اساس کلیه خسارت‌هایی که بر جان و مال بزه‌دیدگان وارد می‌شود یا آسیب‌های روحی و روانی باید مسلم باشد یا از لحاظ عرفی قطعی قلمداد شود تا قابلیت مطالبه پیدا کند.

#### ب) ایراد خسارت مستقیم

منظور از مستقیم بودن ضرر این است که بین فعل زیانبار و ضرر حادثه دیگری وجود نداشته چنان که بتوان گفت ضرر در نظر عرف از همان عمل مجرمانه ناشی شده است. به این مفهوم که بین عملیات مجرمانه و خسارت وارده بر رابطه سببیت عرفی بر قرار باشد، هر چند که عوامل دیگری نیز در ورود ضرر بی تأثیر نباشد.

#### ج) عدم جبران خسارت وارده

همان گونه که قانون گذار به حمایت از زیان دیده اصل را بر این گذاشته که هر ضرر باید جبران شود و هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند، عدالت حکم می کند که هر خسارتی یک بار باید جبران شود و جبران هیچ خسارتی را بیش از یک بار نمی توان تقاضا کرد. البته نکته قابل توجه و مهم در جبران خسارت این است که خسارت باید به صورت کامل جبران شده باشد تا از عامل زیان رفع مسئولیت نماید.

### 13. جبران خسارات و صدمات قربانیان تروریسم

هر چند مسئولیت اولیه و اساسی جبران خسارات و صدمات وارده بر بزه دیده بر عهده بزه کار است؛ با اینحال، عموماً عاملان عملیاتهای تروریستی در مراحل اولیه غیر قابل شناسایی اند و یا پس از شناسایی نیز به دلایلی از قبیل جان سپردن در حین عملیات یا پس از آن، متواری بودن، ملی نبودن، در دسترس نبودن و ... امکان الزام آنان به جبران خسارات و صدمات وارده بزه دیده وجود ندارد. لذا جبران خسارات و صدمات ناشی از عملیات تروریستی از چند طریق متصور است. اول، به لحاظ فوریت اقدامات درمانی و بالینی و نیز تهیه امکانات ضروری بزه دیدگان لازم است دولت بر اساس مسئولیت و تعهدی که به حفظ امنیت جامعه دارد در این خصوص اقدامات لازم و کافی را به انجام برساند. پس از آن شیوه های دیگری نیز متصور است که در گفتارهای این مبحث آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### 13-1. جبران خسارات و صدمات از طریق کمک های دولتی

جبران خسارت یکی از مهم ترین جنبه های حمایت از قربانیان به شمار می رود. در مواقعی که دسترسی به عامل یا عوامل تروریستی در خصوص الزام آنان به جبران خسارت قربانیان تروریسم وجود ندارد این مهم می تواند از طرق مختلفی صورت گیرد که رایج ترین آنها جبران خسارت از طریق کمک های دولتی، و نیز جبران خسارت از طریق بیمه های خصوصی است. برخی برای لزوم جبران خسارت بزه دیده از سوی دولت، چنین استدلال نموده اند که وقوع جرم در حوزه یک دولت نشان دهنده فقدان یک دولت تضمین کننده نظم عمومی است (فیلیزولاو ژرار، 1388: 76). براساس این دیدگاه دولت به دلیل اینکه از وظیفه تضمین و تأمین نظم عمومی تخطی نموده است، باید به جبران خسارت زیان دیده از جرم بپردازد.

#### الف) تفاوت جبران خسارت با پرداخت غرامت

برخی بر این عقیده اند که نویسندگان کنوانسیون اروپایی، با بهره گیری از نوشته های عمومی و تخصصی (حقوقی) و ظرافت های واژه شناسی با جدا کردن دو واژه «جبران خسارت» و «پرداخت غرامت» نوآوری جالبی را در حوزه بزه دیده شناسی عرضه نمودند که دو سال بعد در اعلامیه های سازمان ملل به شکل یک ملاک جهانی درباره موضوع جبران درآمد. بر این پایه، جبران خسارت عبارت است از پرداخت پول یا هزینه های بزه دیدگی، انجام کار یا ارائه خدمات یا بازگرداندن مال بزه دیده به او که اصولاً از رهگذر بزه کار انجام می شود. ولی پرداخت غرامت که پیش از این به منزله یکی از گونه های برجسته جبران خسارت (یعنی جبران خسارت به شکل پرداخت مالی یا پولی) شناخته می شد، از زمان تصویب کنوانسیون اروپایی با تأکید بر سازوکاری بر پایه مشارکت دولت در جبران آثار بزه دیدگی معنای خاصی پیدا کرده است (رایجیان اصلی، 1384: 112-113).

اگرچه تفکیک و تفاوت یادشده منطقی است اما به نظر می‌رسد که دو اصطلاح جبران خسارت و پرداخت غرامت در واژه لاتین آنها در مواردی از آثار نویسندگان اروپایی به جای هم نیز به کار رفته است؛ به ویژه آنکه اصطلاح "compensation" در مواردی به گونه عام به کار رفته است که معنایی اعم از پرداخت غرامت و ترمیم مورد نظر است که البته به دلیل وجود قرینه در بیشتر موارد، مقصود آنان آشکار است. در این گفتار نیز اگرچه تمرکز اصلی بر جبران خسارت از طریق پرداخت غرامت است، ولی در مواردی محدود، سخن از معنای عام آن به میان آمده است.

#### ب) جبران خسارت از طریق دولت در حقوق موضوعه ایران

در حقوق موضوعه بسیاری از کشورها نیز جبران خسارت دولتی، دست‌کم به عنوان آخرین و یا فوری‌ترین راه، پذیرفته شده است. در حقوق برخی کشورها ردیف بودجه خاصی برای جبران خسارت این قربانیان پیش‌بینی شده است. براساس قاعده فقهی «لایبطل دم امرء مسلم» در حقوق ایران، در موارد متعددی که مسلمانی کشته شود و قاتل او مشخص نشود و یا به دلایلی قادر به پرداخت نباشد، دولت موظف است خسارت بزه‌دیده را جبران نموده و دیه او را بپردازد. در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی ایران، از این قاعده تبعیت شده است. قربانیان جرایم تروریستی نیز می‌توانند به حسب مورد، مشمول یکی از مواد قانونی مذکور در قانون مجازات اسلامی در این زمینه باشند.

#### ج) جبران خسارت از طریق دولت در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی نیز جبران خسارت دولتی به عنوان آخرین راهکار پذیرفته شده است. در ماده ۱۲ اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل، درباره اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، از دولت‌ها تقاضا شده تا در مواردی که جبران خسارت از سوی مجرم و یا دیگر منابع به‌طور کامل ممکن نباشد، به جبران خسارت قربانیان اقدام نمایند. همانگونه که برخی حقوقدانان عنوان نموده‌اند، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و در پی آگاهی‌های عمومی، درباره قربانیان تروریسم، هم‌اکنون نسبت به این قربانیان توجه ویژه‌ای مبذول شده است. وزیران دادگستری اروپایی در کنفرانس صوفیه در اکتبر سال ۲۰۰۳، از کمیته وزیران دعوت کردند تا قواعد جدیدی را در جهت بهبود قوانین حمایت از قربانیان تروریسم و اعضای خانواده آنان، بپذیرند. این موضوع در حال حاضر در دست بررسی کمیته متخصصان امور تروریسم است. در مارس ۲۰۰۵، کمیته وزیران رهنمودهای جدیدی را در خصوص قوانین حمایت از قربانیان تروریسم پذیرفتند. در این رهنمود، بر این نکته تأکید شده است که قربانیانی که بر اثر این اعمال، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم متحمل صدمه‌ای شده‌اند، باید همبستگی و حمایت ملی و بین‌المللی دریافت کنند. براساس بند ۱ از ماده ۷ این رهنمود:

قربانیان اعمال تروریستی، بابت خسارتهایی که متحمل می‌شوند، باید غرامت منصفانه، مناسب و به موقع، دریافت نمایند. زمانی که جبران خسارت از طریق مباشران یا سازماندهندگان و یا حامیان اعمال تروریستی ممکن نباشد، دولتی که عملیات تروریستی در قلمرو آن رخ داده است، باید در جبران خسارت قربانیانی که به صورت مستقیم صدمه فیزیکی و یا روانی دیده‌اند، بدون در نظر گرفتن ملیت آنان، مشارکت نماید (Dignan, 2005: 3).

چنان که ملاحظه می‌شود، در این ماده، دولتی که عملیات تروریستی در قلمرو آن واقع شده است، در صورت عدم دسترسی به مسببین اصلی حادثه، موظف به جبران خسارت است، بدون اینکه لزوماً قربانی جرم، دارای ملیت اروپایی باشد. در ماده ۲ کنوانسیون اروپایی خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم خشونت‌آمیز، جبران خسارت قربانیان این جرایم از کشورها خواسته شده است حتی اگر مجرم قابل تعقیب و یا مجازات نباشد. در بند دو این ماده آمده است: پرداخت خسارت در موارد یادشده لازم است، حتی اگر مجرم قابل تعقیب و یا مجازات نباشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرایم خشونت‌آمیز، استراسبورگ، ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳، ماده ۲: در موارد فوق غرامت اعطا می‌شود حتی اگر مجرم قابل تعقیب یا مجازات نباشد.

#### د) اشخاص مورد حمایت در جبران خسارت (حمایت از قربانیان غیر مستقیم)

حمایت از قربانیان و جبران خسارت آنان منحصر به قربانیان مستقیم نیست، بلکه قربانیان غیر مستقیم (بستگان تحت نفقه) نیز مشمول جبران خسارت هستند. براساس ماده ۲ کنوانسیون اروپایی خسارتزدایی از قربانیان جرایم خشونت‌آمیز، جبران خسارت قربانیان این جرایم شامل قربانیان غیر مستقیم نیز می‌شود. در بند یک این ماده آمده است:

- وقتی که ترمیم کامل خسارات از طریق سایر منابع، قابل دسترس نباشد، دولت باید در جبران خسارت نسبت به افراد ذیل مشارکت نماید:

- الف) کسانی که متحمل صدمه بدنی شدید شده باشند و یا سلامت آنان مستقیماً بر اثر یک جرم عمدی خشونت‌بار آسیب دیده باشد؛
- وابستگان (تحت نفقه) اشخاصی که در نتیجه چنین جرایمی فوت شده باشند. همچنین براساس ماده ۲ «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، واژه بزه‌دیده به تناسب شامل خانواده درجه یک و سایر بستگان بزه‌دیده مستقیم و اشخاصی که در جریان کمک به بزه دیدگان، مصیبت دیده و یا در جریان کمک به پیشگیری از بزه‌دیدگی، آسیب دیده‌اند نیز می‌شود.

#### و) موارد خسارت‌های قابل پرداخت

در ماده ۴ کنوانسیون اروپایی خسارت زدایی از قربانیان جرایم خشونت‌آمیز، مواردی از جبران خسارت را بر شمرده است، ولی به نظر می‌رسد به دلیل واژه «دست‌کم» در این ماده، موارد جبران خسارت غیر حصری است. در این ماده آمده است پرداخت غرامت مطابق پرونده مورد نظر، دست‌کم شامل موارد ذیل خواهد بود:

- خسارت از دست دادن درآمد؛

- هزینه‌های پزشکی و بیمارستان و مراسم کفن و دفن؛

- نفقه و مخارج زندگی بستگان (تحت سرپرستی) (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۹۳-۳۸۸).

#### ی) جبران خسارت بزه دیدگان در دیوان

در ماده ۷۵ دیوان کیفری بین المللی آمده است: جبران خسارت مجنی علیهم دیوان راجع به جبران خسارات مجنی علیهم یا در ارتباط با آنان قواعدی کلی از جمله استرداد، غرامت و اعاده وضع به حال سابق را مقرر خواهد کرد. بر این اساس، دیوان در رأی خود می تواند بنا به درخواست دینفع و یا در شرایط خاصی رأساً حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا لطماتی که به مجنی علیهم و یا در ارتباط با آنان وارد آمده را معین نماید و قواعد کلی را که بر پایه آنها عمل می نماید بیان خواهد کرد. دیوان می تواند مستقیماً دستوری علیه محکوم علیه صادر نموده و نحوه مناسب جبران خسارات مجنی علیهم را معین نماید. دیوان می تواند در صورت اقتضا دستور دهد که پرداخت های مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی موضوع ماده ۷۹ صورت گیرد. دیوان می تواند قبل از اتخاذ هر گونه تصمیمی بر طبق این ماده از محکوم علیه، مجنی علیهم و سایر اشخاص و یا دولتهای دینفع دعوت کرده و اظهارات آنان و نمایندگان آنان را استماع نماید. پس از محکومیت شخص به لحاظ ارتکاب یکی از جرایم مذکور در اساسنامه، دیوان می تواند در جهت اعمال اختیارات مذکور در این ماده و به منظور ترتیب اثر بخشیدن به دستور صادره تصمیم بگیرد که آیا اتخاذ تدابیر دیگر موضوع بند یک ماده ۹۳ ضرورت دارد یا خیر.

#### 14. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همکاری و معاضدت دولتها و رای واقعیتهای سیاسی در احیای حقوق بزه دیده واجد اهمیت بوده و ضمانتهای اجرایی مقرر در اسناد مزبور میتواند راهنمای اتخاذ رویه های مؤثر در مقابله با دولتهای متخلف از این امر خطیر به شمار آید همچنین اصلاح روشهای حمایتی باید مورد توجه قرارگیرد . علاوه بر این، شناسایی دولت ها در کنار محکوم علیه به عنوان جبران



کنندگان خسارت و امکان صدور حکم بر محکومیت دولت در جبران خسارت بزه دیده باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا ملاحظات سیاسی و اجتماعی ایجاب می نماید دولتها به عنوان مسئولان حفظ امنیت شهروندان خود، مسئول جبران خسارت ناشی از قصور در انجام وظیفه باشند. همچنین عدم رعایت قواعد و مقررات و عرف جامعه بین المللی در تجاوز و جنگ افروزی به عنوان رفتاری عمومی مسئولیت دولتها را به جبران خسارت بزه دیدگان چنین جنایاتی توجیه می کند. در نهایت، از آنجا که بزه دیدگان تروریسم از بیگانه ترین و آسیب پذیرترین بزه دیدگان هستند، مستحق توجه ویژه میباشند. در این راستا همان طور که ملاحظه گردید اقدامات راهبردی و تقنینی متعددی در سطوح گوناگون ملی و بین المللی صورت پذیرفته است. اما آنچه اهمیت و ضرورت حایت را نسبت به بزه دیدگان تروریسم آشکار می سازد افزایش شمار میزان بزه دیدگان در این گونه اقدامات نسبت به دیگر اقدامات خشونت زاست؛ زیرا در اقدامات تروریستی اصولاً تروریسم با هدف ایجاد خسارت و بزه دیدگی و در نتیجه اثربخشی بیشتر، مبادرت به ارتکاب می نماید.

درمبارزه با تروریسم برای تحقق صلیحی عادلانه و جهانی باید راهبردهای مؤثری را اعمال نمود تا بتوان بر گونه های متفاوت آن فایق آمد. از اینرو، اتخاذ راهبردهای بازدارندهای همچون برنامه ریزی جهت تقویت توان فکری توده ها، حفظ و تقویت مشروعیت سیاسی و گسترش روند توسعه سیاسی، شناخت و آگاهی کامل از واقعیتها، برنامه ریزی سازماندهی شده برای تبیین حدود دولت و ملت جهت اخذ نتیجه ی مثبت از قضاوت مردمی، آگاه نمودن افکار عمومی از منبع واقعی ترس ناشی از تحرکات تروریستی میتواند به همراه دیگر مؤلفه ها در پیشگیری و سرکوب تروریسم جهت نیل به اهداف آرمانی همچون صلح پایدار مؤثر واقع گردد.

در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز مقرراتی در زمینه جبران خسارت بزه دیدگان جرایم خطیر وجود دارد. با این حال، اسناد موجود حداقلها را احصا نموده و جامعه جهانی باید به سمتی حرکت نماید که با تصویب معاهده خاص بین المللی در مورد بزه دیدگان تروریسم و تعریف دقیق آنها، تعقیب عاملین اعمال تروریستی و جبران خسارت قربانیان این جرم را به صورت مؤثرتری تسهیل نماید.

پیشنهادهای ارائه شده عبارتند از:

- بسیاری از سازمانها و گروهکهای تروریستی فاقد شخصیت ثبت شده حقوقی هستند و دادگاههای کشور ما نیز در یک فرآیند رسیدگی حکمی به مجرمانه بودن آن گروهها صادر نکردهاند. همچنین این گروهکها در لیست گروههای تروریستی کشورهای جهان قرار نیز قرار ندارند و با آزادی کامل در پناه آن کشورها به فعالیتهای جنایتکارانه خود بر علیه جمهوری اسلامی ادامه می دهند. لذا ضروری است دادستان محترم کل کشور ترتیبی اتخاذ نمایند تا گروههایی که تاکنون در جمهوری اسلامی مرتکب اعمال تروریستی شده اند فوراً تحت تعقب قضایی قرار گرفته و در نهایت به استناد جنایات ارتكابی، به عنوان گروه مجرمانه محکوم شوند و این حکم محکومیت به پلیس بین الملل و تمامی کشورهایی که اعضای آن گروهها در آن حضور دارند اعلام شود.

- در یک مشابهن سازی از ماده ۶۸۹ قانون آئین دادرسی کشور فرانسه، ماده واحدهای در مجلس شورای اسلامی مصوب گردد، تا مباشرین یا معاونین جرایم ارتكابی خارج از سرزمین ایران در صورتی که یک کنوانسیون بین المللی مصوب مجلس شورای اسلامی، به مراجع کشورمان صلاحیت شناسایی و کشف جرایم مذکور در آن کنوانسیون را می دهد نیاز به جرم انگاری مجدد آن جرایم نباشد و دادگاههای کشورمان بتوانند مجرمین را به اتهام آن جرایم تحت تعقیب قرار داده و در مورد آنها حکم صادر نمایند.

## منابع

- پورعیسی، حمید، ۱۳۹۴، جبران خسارت و مسئولیت بین المللی دولتها در حقوق بین الملل، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق،



- ماهیان بادی، مصطفی؛ صالحی، کریم. 1396. بررسی جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم تروریستی. فصلنامه مطالعات علوم اجتماع. دوره 3، شماره 3، پاییز.
- عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا. 1396. جبران خسارات ناشی از حوادث تروریستی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان، پردیس علوم انسانی - دانشکده علوم انسانی.
- یزدانیان، علیرضا. 1391. مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال تروریستی در جبران خسارت فراموش شدگان ناشی از تروریسم در ایران و فرانسه. مطالعات حقوق خصوصی شماره 3.
- الهویی نظری، حمید، مسئولیت بین المللی دولت های تأمین کننده مالی تروریسم، مجله مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و هفتم، شماره 3، 1396.
- نمامیان، پیمان، واکنش های عدالت کیفری به تروریسم، چاپ اول، تهران، نشر میزان، 1390.
- زر نشان، شهرام، شورای امنیت و تعهدات دولتها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی بین المللی، شماره 36، 1386.
- تقی زاده انصاری، بررسی قطعنامه سپتامبر 2008 شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با مقابله با تروریسم، مجله راهبرد، شماره 43، 1386.
- طیبی فرد، امیر حسین؛ مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی - مجله حقوقی - شماره ۱۳۸۴-۳۲.
- عبدالهی، محسن، تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران، انتشارات شهردانش، 1388.
- گلدوزیان، ایرج، «محشای قانون مجازات اسلامی»، انتشارات مجد، چاپ سوم، 1393.
- حسین شریفی طرازکوهی. فاطمه فتح پور. (1396). حمایت از قربانیان تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین الملل. مجله پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی 9(1).
- بارکزی، ناهید. (1400). مسئولیت مدنی دولت در خسارات ناشی از اقدامات تروریستی. ماهنامه پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان، دوره 3، شماره 3، فروردین ماه.
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده شناسی حمایتی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول. ۱۳۸۴،
- فیلیزولا، ژینا، و، لویز، ژرار، بزه‌دیده و بزه دیه شناسی. مترجمین: روحالله کردعلیوند، و احمد محمدی، ناشر: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر؛ الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1386، چاپ اول، ج ۱.
- هاشمی، سید حسین، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- الهویی نظری، حمید، مسئولیت بین المللی دولت‌های تأمین کننده مالی تروریسم، مجله مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و هفتم، شماره 3، 1396.
- زر نشان، شهرام، شورای امنیت و تعهدات دولتها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی بین المللی، شماره 36، 1386.
- تقی زاده انصاری، بررسی قطعنامه سپتامبر 2008 شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با مقابله با تروریسم، مجله راهبرد، شماره 43، 1386.
- طیبی فرد، امیر حسین؛ مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی - مجله حقوقی - شماره ۱۳۸۴-۳۲.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ «جبران خسارت به هزینه ی دولت و نهادهای عمومی»، (رساله ی دکتری)، حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸، استاد راهنما: رضا نوربها.
- حاجی زاده، محمود؛ «مبارزه با تروریسم و رعایت موازین عدالت کیفری»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- حاجی عزیزی، بیژن؛ «شیوه های جبران خسارت در مسؤولیت مدنی»، (رساله دکتری) حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، استاد راهنما: حسینعلی حسینی نژاد.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم «جلوهای عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران»؛ پایان نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه تهران. پردیس قم، ۱۳۸۴، استاد راهنما: علی حسین نجفی ابرند آبادی
- علی محمدی، عمران؛ «مطالبه خسارت ناشی از جرم»، دانشگاه مازندران، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، ۱۳۸۲، حقوق جزا، استاد راهنما: ابوالحسن شاکری.

- Dignan, James, Understanding Victims and Restorative Justice, first pub., U. K.: Open University Press, 2005 .



18<sup>th</sup> International Conference on  
**Legal and  
Judicial Studies**

[www.Ljcnf.ir](http://www.Ljcnf.ir)

مطالعات حقوقی و قضایی | اسپانیا  
مجموعه‌مین کنفرانس بین‌المللی



18 th international conference on Legal and Judicial Studies

## "The possibility of compensation criteria and guarantees in terrorist incidents in international law and Iranian law"

Mojtaba Farasati  
(Master of International Law)

### Abstract

In supporting the victims of terrorist crimes, the principle is to compensate the material and spiritual damages of the victims through internal law institutions such as special authorities and the general budget of the countries. However, for various reasons, a significant number of countries have not yet fully included the provisions of international law in the scope of their criminal policy. For this reason, there is not enough support for the victims. With the globalization of terrorism, the existing protections for the victims of terrorist crimes inevitably develop towards globalization. In addition to internal efforts, at the regional and international levels, the Statute of the International Criminal Court and some other international documents mainly state the material and economic support of the victims of terrorism, the acceptance of the right to compensation for the victim's damages, and compensation measures. are In addition to the material support mentioned in the above documents, international support such as criminal, medical and psychiatric, police and security, judicial and cultural support has been formed for the victims of terrorism. However, the need for effective and more support is necessary.

**Keywords:** international law, Iran's domestic law, globalization, terrorism, victim protection methods.